

نقش طرح واره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت در پیش بینی استعداد خیانت زناشویی

سمیه هاشمی نژاد

۱- کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد تبریز، تبریز، ایران. hasheminezhad.s70@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش طرح واره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت در پیش بینی استعداد خیانت زناشویی صورت گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بودند که به روش نمونه گیری دردسترس تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه نگرش به خیانت، پرسشنامه طرحواره یانگ: پرسشنامه و مقیاس شخصیت تاریک صورت گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه از طریق نرم افزار آماری SPSS20 صورت گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که بین طرحواره های ناسازگار اولیه و مولفه های آن؛ همچنین بین صفات تاریک شخصیت با استعداد خیانت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد طرحواره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت ۴۱/۲ درصد توانایی پیش بینی استعداد خیانت زناشویی را دارد. نتایج به دست آمده حاکی از نقش پیش بینی کنندگی طرح واره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت بر استعداد خیانت زناشویی بوده می باشد.

واژه های کلیدی: طرح واره های ناسازگار اولیه، صفات تاریک شخصیت، خیانت زناشویی

مقدمه

زندگی خانوادگی با خطراتی گره خورده است که استمرار حیات خانوادگی و سلامت خانواده را مختل می‌کنند، یکی از این خطرهای خیانت زناشویی^۱ است که مشکلات زیادی را در پی دارد (لودو و جانی،^۲ ۲۰۱۳). خیانت زناشویی موضوعی است که زوج درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی‌شان با آن مواجه می‌شوند و می‌تواند تجربه‌ای گیج‌کننده و دردناک برای همه‌ی کسانی باشد که با آن درگیرند، افزون بر این، خیانت یکی از دلایل عمده‌ی طلاق و ازهم پاشیدن ازدواج است (اسکچلفورد^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). براساس مطالعات انجام شده در این زمینه در آمریکا، مشخص شده است که ۲۱ درصد مردان و ۱۱ درصد زنان در طول زندگی مرتکب خیانت زناشویی می‌شوند (استفانو و اوآلا^۴، ۲۰۱۲). خیانت شامل برقراری ارتباط جنسی یک فرد، متأهل با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده (غیر از همسر) است. همچنین آویرام و آمیچا^۵ (۲۰۰۵) خیانت زناشویی را به عنوان نقض تعهد رابطه دونفره می‌دانند که به شکل‌گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه منجر می‌شود (گوردن^۶، ۲۰۰۵). لوسترمن معتقد است: خیانت زمانی اتفاق می‌افتد که یکی از این زوج‌ها براین باور باشند که زندگی زناشویی او وفادارانه است، در صورتی که زوج دیگر به طور پنهانی این پیمان را شکسته باشد (مومنی و نادری، ۲۰۱۳). تجربه شکست عاطفی، انتقام جویی از همسر بی‌وفا، ویژگی‌های شخصیتی، سبک دلبستگی، مذهب، سطح تحصیلات، درآمد و شغل (نادری و مومنی، ۲۰۱۳) از جمله عوامل موثر بر خیانت زناشویی هستند. درواقع خیانت زناشویی مانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر یک رویداد چندوجهی، پیچیده و وسیعی است که عوامل بالقوه متعددی در بروز آن دخالت دارند (رحیمی، ۱۳۹۲).

اسپیتزبرگ و کوپاک (۱۹۹۸) براساس نتایج مطالعه خود بیان کرد که خیانت زناشویی ابزاری است که به وسیله آن فرد بدون اینکه به یک تخلف آشکار دست بزند، جنبه مشکل‌زا و تاریک شخصیت خود را نشان می‌دهد. در واقع ویژگی‌هایی که هر فرد در نتیجه رویارویی با موقعیت‌های گوناگون به آن مجهز می‌شود، صفات شخصیتی او می‌باشد (بارری^۷ و همکاران، ۲۰۰۷). مک‌کرا و کاستا (۱۹۹۰) ویژگی‌های شخصیتی را به عنوان «ابعاد تفاوت‌های فردی در تمایل به نشان دادن الگوهای پایدار فکر، احساس و عمل» تعریف می‌کنند. وجود صفات و ویژگی‌های متعدد که در مقوله شخصیت وجود داشت، باعث شد تا روان‌شناسان شخصیت به طبقه‌بندی و سازماندهی آنان بپردازند، تا بدین وسیله بتوانند به دانش خود در این حوزه نظمی بخشیده و در نتیجه تحقیقات نظام‌دار و منسجم‌تری را ارائه کنند. چنین طبقه‌بندی پذیرفته‌شده‌ای از مدت‌ها پیش در علوم چون زیست‌شناسی وجود داشته است. اما باید در نظر داشت که طبقه‌بندی ویژگی‌های شخصیتی در روان‌شناسی شخصیت، به دلیل انتزاعی بودن مفاهیم، مشکل‌تر از طبقه‌بندی‌های علوم زیستی است. خوشبختانه علیرغم وجود چنین دشواری‌هایی، می‌توان ادعا کرد پس از چندین دهه تحقیق، روان‌شناسان شخصیت در حال نزدیک شدن به یک وفاق عمومی در مورد طبقه‌بندی ویژگی‌های شخصیتی انسان می‌باشند. در این راستا در سالهای اخیر، برخی از روان‌شناسان شخصیت به مطالعه شخصیت‌های تاریک (پالهاوس و ویلیامز،^۸ ۲۰۰۲) و صفات شخصیتی آزارنده از لحاظ اجتماعی علاقه مند شده‌اند (لی و اشتون^۹، ۲۰۰۵). از مهمترین این صفات، سه صفت تاریک شخصیت است. اصطلاح سه گانه تاریک یا مثلث تاریک^{۱۰} برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ ابداع شد. دو محقق به نام‌های پالهاوس و ویلیامز از دانشگاه بریتیش کلمبیا، تحقیقی را انجام دادند و ادعای بزرگی را

^۱ - Marital infidelity^۲ - Loudov & jani^۳ - Shackelford^۴ - Stefano & Oala^۵ - Aviram & Amichai^۶ - Gordon^۷ - Spitzberg & Cupach^۸ - Barry^۹ - Mccrae & Costa^{۱۰} - Personality traits^{۱۱} - Paulhus & Williams^{۱۲} - Lee & Ashton^{۱۳} - Dark Triad

مطرح کردند: آنها بیان کردند که به نظر می‌رسد در یک جامعه آماری نرمال و در شرایطی که نشانه‌های نامتعارف رفتاری بروز نکرده باشد، سه صفت نارسیسیسم^۱، ماکیاولیانیسم^۲ و سایکوپاتی^۳ را می‌توان به عنوان یک صفت واحد در نظر گرفت. این سه صفت تاریک شخصیت با برخی صفات منفی از جمله ناخوشایندی (جکوبویچس و ایگان^۴، ۲۰۰۶)، بی‌صدافتی (لی و اشتون، ۲۰۰۵)، پرخاشجویی (جاناسون و وبستر^۵، ۲۰۱۰) و تعدادی از شاخص‌های پیش‌بینی کننده ازدواج کوتاه مدت (جاناسون و همکاران، ۲۰۱۱) ارتباط دارند. بنابراین تعجب آور نیست که این سه صفت بطور مکرر به عنوان بخشی از جنبه تاریک ماهیت انسان در نظر گرفته شده است (توویونج و کمپبل^۶، ۲۰۰۹). این صفات، همبستگی درونی بالایی با هم دارند؛ ولی معادل هم نیستند. به عبارت دیگر آنها همپوشانی زیادی با هم دارند ولی سازه‌های مجزایی هستند (پاولهاس و ویلیامز، ۲۰۰۲). پور جرأت (۲۰۱۷) در نتایج مطالعه خود نشان داد بین شخصیت در زنان دارای خیانت زناشویی با زنان فاقد خیانت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین عزتی (۱۳۹۵) در مطالعه خود نشان داد که بین ابعاد شخصیتی و کیفیت زندگی زناشویی با خیانت زناشویی در دو گروه زنان و مردان باتجربه خیانت تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که ابعاد شخصیتی و کیفیت زندگی زناشویی توان پیش‌بینی خیانت زناشویی را دارند. مصری‌پور و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود در خصوص عوامل دخیل در خیانت زنان شامل سه بعد عوامل شخصی و درونی، اختلاف زوجها و مسائل جنسی اشاره کردند. جونز و ویسر (۲۰۱۴) نیز رابطه ابعاد تاریک شخصیت را با انواع الگوهای خیانت بررسی کرده و بر اساس نتایج بدست آمده اعلام کرده‌اند رابطه‌ی قوی بین خودشیفتگی و سایکوپاتی و خیانت وجود دارد.

علاوه بر این خانواده، بافت اصلی رشد کودک است و عوامل خانوادگی، ویژگی‌های فردی کودک، نشانگان قبلی و حوادث زندگی، بروز ناسازگاری‌های رشدی و آسیب‌های روانشناختی را پیش‌بینی می‌کند (لوما^۷، ۲۰۰۴). در این راستا طرحواره‌های که در فرد شکل می‌گیرند و ریشه در دوران کودکی دارند، بر رفتارهای و عملکردهای فردی-شخصیتی دوران بعدی فرد تاثیر گذار است. در واقع طرح‌واره‌ها در رویارویی با محرک‌های جدید بر پایه ساختار پیشین خود، اطلاعات به دست آمده را سرند، رمزگردانی و ارزیابی می‌کنند (یانگ، ۱۹۹۰) و به این ترتیب بر نوع نگرش افراد نسبت به خود و جهان پیرامون تاثیر می‌گذارند. یانگ (۲۰۰۶) آن دسته از طرح‌واره‌ها را که به رشد و شکل‌گیری مشکلات روان‌شناختی می‌انجامد، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌نامد. این طرح‌واره‌ها الگوهای شناختی و هیجانی خود آسیب‌رسانی هستند که از جریان اولیه رشد آغاز شده و در طول زندگی تداوم می‌یابند (مک‌گین^۸ و یانگ، ۱۹۹۶؛ به نقل از نورداهل^۹، ۲۰۰۵). از آنجا که طرح‌واره‌ها هسته خودپنداره افراد را شکل می‌دهند، اگر دارای محتوای ناسازگار باشند افراد را نسبت به گستره‌ای از کاستی‌ها و مشکلات آسیب‌پذیر می‌کنند (یانگ، ۲۰۰۶). بررسی‌های چندی که در این زمینه انجام شده، نشان می‌دهند که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در شکل‌گیری و گسترش بسیاری از مشکلات روان‌شناختی همچون اختلال‌های شخصیت، افسردگی، روابط زناشویی و ... نقش دارند (پلز^{۱۰}، ۲۰۰۳؛ نقل از یوسفی، ۱۳۸۹). محمدی و سلیمانی (۲۰۱۷) در تحقیقی نشان داد که بین طرح‌های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. امینایی آزادی و قاطع زاده (۱۳۹۴) در تحقیقی نشان داد که حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به‌طور معناداری با کاهش رضایت‌مندی زناشویی (رضایت زناشویی، ارتباطات، حل مساله به غیر از تحریف آرمانی) همراه است. این نتیجه در مطالعه آزادبخت و وکیلی (۱۳۹۲) و دومیتروکس و راسو (۲۰۱۴) نیز به دست آمد.

^۱-narcissism^۲-Machiavellianism^۳- psychopathy^۴- Jakobwitz & Egan^۵-Jonason & Webster^۶-Twenge & Campbell^۷- Louma^۸- McGinn^۹- Nordahle^{۱۰}- Pelz^{۱۱}-Dumitrescu, D Rusu

رضیی و شمس (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای نشان دادند که طرح واره‌های ناسازگار اولیه در بین زوجین ناسازگار بیشتر از زوجین بدون مشکل سازگاری می باشد.

با توجه شیوع معضل خیانت زناشویی و صدمات ناشی از آن بر پیکره خانواده، بررسی و شناسایی عوامل موثر بر این معضل می تواند گامی مهم در پیشگیری و نیز کاهش آن فراهم نماید. براین اساس پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش طرح واره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت در پیش بینی استعداد خیانت زناشویی صورت گرفت.

روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بودند که به روش نمونه گیری دردسترس تعداد ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای این منظور بعد از کسب مجوزهای لازم از اقدام به انتخاب نمونه آماری شد. برای شناسایی افراد متاهل به صورت مستقیم مجرد یا متاهل بودنشان سوال گردید. بعد از توضیح اهداف پژوهش پرسشنامه‌های پژوهشی را دریافت و تکمیل کردند (با توجه به حساسیت موضوع تمامی پرسشنامه ها بدون نام و بدون کد گذاری بود. همچنین به نمونه ها اطمینان خاطر داده شد که تمامی اطلاعات به صورت محرمانه باقی می ماند). داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS20 و با آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های ذیل استفاده شد:

الف) پرسشنامه نگرش به خیانت: این مقیاس توسط واتلی (۲۰۰۸) طراحی شد. این پرسشنامه افکار فرد نسبت به مقوله خیانت را موردبررسی قرار می دهد. این مقیاس دارای ۱۲ عبارت است که هر سوال در طیف هفت گانه از بسیار مخالف (امتیاز یک) تا بسیار موافق (امتیاز ۷) است. بالاترین امتیاز ۸۴ است که به معنی پذیرنده خیانت و کمترین امتیاز ۱۲ و به معنی رد کننده خیانت است. امتیاز ۴۸، فرد را بین پذیرندگی و ردکنندگی خیانت قرار می دهد(واتلی، ۲۰۰۶؛ نقل از عبدالله زاده، ۱۳۸۹). واتلی (۲۰۰۶) ثبات درونی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آورد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه توسط عبدالله زاده (۱۳۸۹) ۰/۸۴ در جامعه ایرانی گزارش شده است. همچنین آلفای کرونباخ این مقیاس در بین ۳۸۳ نفر از زنان و مردان مجرد و متاهل ساکن شهرهای علی آباد و بهشهر که به صورت تصادفی انتخاب شدند ۰/۸۴ بدست آمده است. میانگین به دست آمده برای این نمونه مورد بررسی، ۳۹/۱۵ می باشد. این مقیاس می تواند علاوه بر تحقیقات پیمایشی در تعیین علل و متغیرهای تاثیرگذار بر خیانت زناشویی و نگرش به خیانت کمک کننده باشد(طوسی، ۱۳۹۶).

ب- پرسشنامه طرحواره یانگ: پرسشنامه طرحواره یانگ YSQ-121 و یانگ براون، ۲۰۰۶، ابزار خود گزارش دهی برای سنجش طرحواره هاست. بیمار بر اساس توصیف هر جمله، خودش را در یک مقیاس لیکرت شش درجه ای می سنجد. درمانگر برای تفسیر نتایج کمی هر بیمار یا میانگین نمرات هر طرحواره را جمع نمی کند بلکه به سوالات هر طرحواره به صورت جداگانه توجه می کند و سوال هایی که بیمار در آن نمره بالا گرفته است مشخص می نماید. در پژوهش اسمیت و همکاران (۱۹۹۴؛ نقل از صدوقی و همکاران، ۱۳۸۷) برای هر طرحواره ناسازگار اولیه ضریب آلفایی از ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ به دست آمد و ضریب بازآزمایی در جمعیت غیر بالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۹۶ و برای تمام خرده مقیاس ها بالا تر از ۰/۸۰ گزارش شده است. ضریب همبستگی بین فرم کوتاه و بلند این پرسشنامه، ۰/۷۰ به دست آمده است (والر، مه ی و هینان، ۲۰۰۱). در تحقیق صدوقی و همکاران (۱۳۸۷) همسانی درونی برای هفده عامل به وسیله آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۲ تا ۰/۹۰ به دست آمد و آلفای کرونباخ برای مقیاس کلی ۰/۹۴ بود.

^۱-Wately

^۲-Waller, Meyer & Ohanian

ج) مقیاس شخصیت تاریک! ابزاری خودگزارشی است که توسط جانسون و وبستر (۲۰۱۰) طراحی شده است و مشتمل بر ۱۲ ماده می باشد. پاسخ به هر سوال براساس یک مقیاس لیکرت سه درجه ای و در دامنه ای از ۱ (اصلاً مرا توصیف نمی کند) تا ۳ (کاملاً مرا توصیف می کند) نمره گذاری می شود. این مقیاس شامل سه خرده مقیاس ماکیاولیستی (۴ گویه)، جامعه ستیزی (۴ گویه) و خودشیفتگی (۴ گویه) می باشد. جانسون و وبستر (۲۰۱۰) اعتبار آزمون را به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۸۳ گزارش کردند. همچنین اعتبار بازآزمایی آن را بین ۰/۷۶ تا ۰/۸۳ گزارش کردند. همچنین حاجلو و همکاران (۱۳۹۵) نیز مقیاس های ماکیاولیسم، جامعه ستیزی و خودشیفتگی را روش همسانی درونی به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۶۳ و ۰/۸۳ گزارش کردند. رابطه نمره کل با هر ماده ۰/۴۲ تا ۰/۹۰ است. آنها همچنین نشان دادند که این آزمون از روایی محتوایی و سازه مناسب برخوردار می باشد. سرانجام، آنها ساختار سه عاملی این پرسشنامه را تکرار کردند.

یافته ها

براساس یافته های پژوهش میانگین سنی افراد نمونه ۲۸/۵۴ با انحراف معیار ۳/۱۲ بود. از بین افراد مورد مطالعه ۳۵/۸۴ درصد مونث و ۶۴/۱۶ درصد مذکر بودند. همچنین بیشترین فراوانی با ۵۳/۸۳ درصد دارای تحصیلات کارشناسی بودند

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار
خیانت زناشویی	۵۰/۴۹	۶/۷۶
ماکیاولیسم	۱۱/۰۷	۱/۲۹
خودشیفتگی	۱۰/۷۶	۱/۲۶
سایکوپاتی	۱۰/۳۲	۱/۱۵
صفات تاریک شخصیت	۲۲/۱۹	۳/۶۱
طرحواره بریدگی و طرد	۳۳/۲۵	۴/۶۰
طرحواره خودگردانی و عملکرد	۲۳/۹۶	۳/۸۹
طرحواره های ناسازگار اولیه	۴۲/۳۲	۵/۴۲
طرحواره دیگرجهت مندی	۲۹/۸۴	۳/۷۶
طرحواره گوش بزنگی بیش از حد	۲۲/۹۰	۳/۱۵
طرحواره های ناسازگار اولیه	۱۵۲/۲۷	۱۹/۸۲

براساس جدول ۱ میانگین و انحراف معیار خیانت زناشویی، صفات تاریک شخصیت و طرح واره های ناسازگار اولیه ارائه شده است.

جدول ۲- ضریب همبستگی بین طرح واره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت با استعداد خیانت زناشویی

متغیر مستقل	آماره	استعداد خیانت زناشویی
طرحواره بریدگی و طرد	ضریب همبستگی	۰/۳۷۲**
طرحواره خودگردانی و عملکرد	ضریب همبستگی	۰/۲۸۳**

^۱- Dark Triad Personality Test

^۲- Jonason & Webster

۰/۴۰۱**	ضریب همبستگی	طرحواره محدودیت های مختل
۰/۱۳۴*	ضریب همبستگی	طرحواره دیگر جهت مندی
۰/۲۱۸**	ضریب همبستگی	طرحواره گوش بزنگی بیش از حد
۰/۴۶۷**	ضریب همبستگی	طرحواره های ناسازگار اولیه
۰/۳۹۵**	ضریب همبستگی	ماکیاولیسم
۰/۲۲۰**	ضریب همبستگی	خودشیفتگی
۰/۴۰۱**	ضریب همبستگی	سایکوپاتی
۰/۴۱۲**	ضریب همبستگی	صفات تاریک شخصیت
** سطح معناداری ۰/۰۱ * سطح معناداری ۰/۰۵		

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می شود بین طرحواره بریدگی و طرد ($r = ۰/۳۷$)، طرحواره خودگردانی و عملکرد ($r = ۰/۲۸$)، طرحواره محدودیت های مختل ($r = ۰/۴۰$)، طرحواره دیگر جهت مندی ($r = ۰/۲۲$)، طرحواره های ناسازگار اولیه ($r = ۰/۴۶$)، ماکیاولیسم ($r = ۰/۳۹$)، خودشیفتگی ($r = ۰/۲۲$)، سایکوپاتی ($r = ۰/۴۰$) و صفات تاریک شخصیت ($r = ۰/۴۱$) با استعداد خیانت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$, $p < ۰/۰۱$).

به منظور استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه مدل ورود پیش فرض های آن مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور شاخص دوگانه هم خطی چندگانه یعنی شاخص توزیع واریانس (VIF) و شاخص تحمل (Tolerance) استفاده شد که در ادامه نتایج آن ارائه شده است.

جدول (۳): شاخص های هم خطی چندگانه متغیرهای پیش بین

شاخص	متغیر	طرحواره های ناسازگار	صفات تاریک
		اولیه	شخصیت
VIF		۱/۸۶۲	۱/۷۲۰
Tolerance		۰/۹۷۱	۰/۹۰۶

جدول شماره ۳ نشان می دهد که پیش فرض هم خطی چندگانه متغیرهای پیش بین محقق شده است چرا که مقادیر VIF محاسبه شده در حد مطلوب (کوچکتر از ۲) قرار دارد و مقادیر Tolerance متغیرهای پیش بین در حد مطلوب (نزدیک به عدد ۱) قرار دارند.

جدول (۴): نتایج تحلیل رگرسیون به منظور تعیین سهم طرحواره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت در پیش بینی استعداد خیانت زناشویی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیونی	۲۰۷۸/۲۴۷	۲	۱۰۳۹/۱۲۳	۲۳/۲۳۵	۰/۰۰۱
باقیمانده	۶۵۷۴/۲۰۵	۱۴۷	۴۴/۷۲۲		
کل	۵۴۸۶/۴۵۲	۱۴۹			
متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	وزن بتا	آزمون t	سطح معناداری

۰/۰۷۸	۱/۹۸۵	-	۶/۳۶۲	۱۲/۰۳۴	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۴/۲۱۴	۰/۴۴۸	۰/۰۹۲	۰/۷۶۳	طرحواره های ناسازگار اولیه
۰/۰۰۱	۳/۹۷۵	۰/۴۱۲	۰/۱۰۸	۰/۷۴۰	صفات تاریک شخصیت
$p < ۰/۰۱$		$F=۱۶/۹۵۳$		$R^2 = ۰/۴۱۲$	$R = ۰/۶۴۲$

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود میزان F مشاهده شده معنادار است ($p < ۰/۰۱$) و $۴۱/۲$ درصد از استعداد خیانت زناشویی از طریق طرحواره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر به منظور تعیین نقش طرح واره‌های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت در پیش بینی استعداد خیانت زناشویی صورت گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که بین طرحواره های ناسازگار اولیه و مولفه های آن با استعداد خیانت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که طرحواره های ناسازگار اولیه $۴۴/۸$ درصد توانایی پیش بینی استعداد خیانت زناشویی را دارد. نتایج به دست آمده با یافته های مطالعات دومیتروکس و راسو (۲۰۱۲)، رضیی و شمس (۲۰۱۲)، آزادبخت و وکیلی (۱۳۹۲)، امینایی آزادی و قاطع زاده (۱۳۹۴)، عرب و همکاران (۱۳۹۶) و محمدی و سلیمانی (۲۰۱۷) همسویی داشت. در این خصوص محمدی و سلیمانی (۲۰۱۷) در تحقیقی نشان داد که بین طرح های ناسازگار اولیه و تعهد زناشویی رابطه منفی معنی داری وجود دارد. نتایج حاصل از پژوهش عرب و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که ره‌اشدگی/ایی ثباتی، استحقاق/بزرگ منشی، بی اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی و شکست با خیانت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. امینایی آزادی و قاطع زاده (۱۳۹۴) در تحقیقی نشان داد که حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌طور معناداری با کاهش رضایت‌مندی زناشویی (رضایت زناشویی، ارتباطات، حل مساله به غیر از تحریف آرمانی) همراه است. این نتیجه در مطالعه آزادبخت و وکیلی (۱۳۹۲) و دومیتروکس و راسو (۲۰۱۲) نیز به دست آمد. رضیی و شمس (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای نشان دادند که طرح واره‌های ناسازگار اولیه در بین زوجین ناسازگار بیشتر از زوجین بدون مشکل سازگاری می‌باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان کرد که به باور یانگ و همکاران (۲۰۰۳) طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودشکننده‌ای هستند که در جریان رشد آغاز می‌گردند و در سرتاسر زندگی تکرار می‌شوند. از سوی دیگر، آسیب شناسی روانی فرد می‌تواند، بازتاب طرحواره های ناسالم وی باشد، بنابراین، طرحواره های منفی و ناسازگار که بیشتر در پی تجربه های ناگوار دوران کودکی پدید می‌آیند، می‌تواند به عنوان هسته اصلی اختلال شخصیت و بسیاری از بیماری های محور I در میان همسران ایفای نقش کنند (یوسفی، ۱۳۸۹). در واقع اساساً طرحواره های ناسازگار موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب شناسی روانی به صوت سوءتفاهم‌ها، نگرش های تحریف شده، فرض های نادرست، هدف‌ها و چشم داشت های غیر واقع بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوء برداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی های بعدی (زندگی مشترک) تأثیر می‌گذارند زیرا طرحواره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران (بویژه شریک زندگی) تأثیر دارند، از آنجا که طرحواره های ناسازگار ناکارآمد هستند؛ ناخشنودی در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی و نیز رفتارهای خیانت آمیز فراهم می‌کنند (یوسفی، ۱۳۸۹).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که بین صفات تاریک شخصیت با استعداد خیانت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که صفات تاریک شخصیت $۴۱/۲$ درصد توانایی پیش بینی استعداد خیانت زناشویی را دارد. نتایج به دست آمده با یافته های پژوهش جونز و ویسر (۲۰۱۴)، عزتی (۱۳۹۵)، مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) و پورجرأت (۲۰۱۷) همسویی داشت. در این راستا مطالعه پور جرأت (۲۰۱۷) در نتایج مطالعه خود نشان داد بین شخصیت در زنان دارای خیانت زناشویی با زنان فاقد خیانت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین عزتی (۱۳۹۵) در مطالعه خود نشان داد که بین ابعاد شخصیتی و کیفیت زندگی زناشویی با خیانت زناشویی در دو گروه زنان و مردان باتجربه خیانت تفاوت

معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که ابعاد شخصیتی و کیفیت زندگی زناشویی توان پیش بینی خیانت زناشویی را دارند. مصری پور و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود در خصوص عوامل دخیل در خیانت زنان شامل سه بعد عوامل شخصی و درونی، اختلاف زوجها و مسائل جنسی اشاره کردند. جونز و ویسر (۲۰۱۴) نیز رابطه ابعاد تاریک شخصیت را با انواع الگوهای خیانت بررسی کرده و بر اساس نتایج بدست آمده اعلام کرده اند رابطه ی قوی بین خودشیفتگی و سایکوپاتی و خیانت وجود دارد. قابل بیان است که افراد در برخی از مواقع به علت کمبود عاطفه بین خود و همسر، اقدام به خیانت می کنند. بعلاوه وجود دو صفت ماکیاوالیسم و سایکوپاتی رابطه زیادی با روابط یک شبه و انواع خیانت جنسی و بدون ایجاد رابطه حسی و عاطفی دارد. اینگونه افراد بیشتر راغب به ایجاد روابط کوتاه مدت هستند و به علت کمبود حس تعهد، خیانت در این گونه افراد زیاد است. در این خصوص جوناس و لووانو (۲۰۱۲) طی تحقیقاتی که انجام داده اند بر این نتیجه رسیدند که رابطه قوی بین ابعاد تاریک شخصیت و خیانت مخصوصا روابط یک شبه و کوتاه مدت وجود دارد و رابطه منفی بین ابعاد سه گانه با روابط رمانتیک و تعهد زوجین وجود دارد. به نظر می رسد به علت عدم تعهد و فقدان حس انسان دوستی و صداقت، در افرادی با ابعاد تاریک شخصیت مثبت تر به خصوص در دو بعد ماکیاوالیسم و سایکوپاتی، روابط کوتاه مدت و غیر متعهدانه نگرش به خیانت مثبت است.

همچنین در تبیین دیگر قابل بیان است که ممکن است برخی از افراد به علت خصومت و خشم، زوجین نسبت به همدیگر دست به خیانت زده و معمولا این اتفاق به جهت انتقامجویی از زوج خود صورت گرفته و به علت حس سودجویی و استثمارگری، گرایش به روابط فرازناشویی بیشتر می شود. به ویژه اینکه افراد دارای سایکوپات و ماکیاوالیسم افرادی ضد اجتماعی، بزهکار و استثمارگر بوده و رابطه ی مستقیمی با پرخاشگری نشان می دهند. در این راستا نیز آندرا پالینگ (۲۰۱۴) در تحقیقی در خصوص رابطه بین پرخاشگری و مثلث تاریک شخصیت انجام داد که بر اساس این مطالعه پرخاشگری با خشم و خصومت و صدمه زدن به افراد تعریف می گردد. نتایج به دست آمده حاکی از نقش پیش بینی کنندگی طرح واره های ناسازگار اولیه و صفات تاریک شخصیت بر استعداد خیانت زناشویی بوده می باشد. بهره گیری از روش نمونه گیری دردسترس و محدود بوده جامعه آماری به قشر دانشجویان، تعمیم نتایج به دست آمده را با محدودیت روبرو می سازد. لذا پیشنهاد می - گردد این محدودیت ها از سوی پژوهشگران آتی مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مراجع

- امینایی، محمد؛ آزادی، محمود؛ گاطع زاده، عبدالامیر و بهشتی مشهدی، صابره. (۱۳۹۴). پیش بینی رضایت مندی زناشویی بر مبنای حوزه های طرحواره های ناسازگار اولیه دانشجویان متأهل دانشگاه های شهر مشهد. *مجله دستاوردهای روانشناسی بالینی*، ۱(۳)، ۸۸-۶۷.
- آزاد بخت، راحیل و وکیلی، پیوش. (۱۳۹۲). رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی زنان. *فصلنامه مطالعات خانواده*، ۲(۴)، ۱۱-۱۸.
- رحیمی، اکرم. (۱۳۹۱). *بررسی آسیب شناسی تعامل رابطه زوجین قبل و بعد از عهدشکنی شوهران در بین زنان آسیب دیده شهر اصفهان*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان.
- صدوقی، زهره؛ آگیلار وفایی، محمد. (۱۳۸۷). تحلیل عاملی نسخه کوتاه شده طرحواره یانگ در نمونه غیر بالینی ایرانی. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۱۴(۲)، ۲۱۹-۲۱۴.
- طوسی، مصطفی. (۱۳۹۶). *بررسی رابطه هوش اخلاقی و سبک دلبستگی و گرایش به خیانت در دانشجویان متأهل دانشگاه علم و فناوری مازندران*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر.
- عبدالله زاده، حسن. (۱۳۸۹). *معرفی مقیاس نگرش به خیانت*. مارک واتلی، تهران، موسسه آزمون یارپویا.

- عرب، علی؛ میرمرادزهی، مژده و نظری، رضا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین طرحواره های ناسازگار اولیه و نگرش به خیانت در بین کارکنان دانشگاه آزاد زاهدان، دومین کنگره ملی روان شناسی و آسیب های روانی-اجتماعی، چابهار.
- عزتی، نسیم و کاکابرایی، کیوان. (۱۳۹۵). پیش بینی خیانت زناشویی براساس کیفیت زندگی زناشویی و پنج عامل بزرگ شخصیتی. *ماهنامه پژوهش ملی*، ۱(۹)، ۵۲-۵۹.
- یانگ، جفری. (۲۰۰۳). شناخت درمانی اختلالات شخصیت، رویکرد طرح واره محور. ترجمه: علی صاحبی و حسن حمید پور. (۱۳۸۴). تهران: انتشارات اگه.
- یوسفی، ناصر. (۱۳۸۹). مقایسه طرحواره های ناسازگار در همسران مطلقه و عادی به عنوان پیش بین کننده طلاق. پایاننامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. دانشگاه آزاد ابهر.
- Aviram, I. & Amichai, Y. (2005). Online infidelity: Aspects of dyadic satisfaction, self-disclosure, and narcissisms. *J Comput Mediat Commun*; 10: 74-84.
- Barry, R., Lakey, B. & Orehek E. (2007). Links among attachment dimensions, affect, the self and perceived support for broadly generalized attachment styles and specific bonds. *Pers Soc Psychol Bull*; 33(3):340-53.
- Dumitrescu, D. & Rusu, AS. (2012). Relationship Between Early Maladaptive Schemas, Couple Satisfaction And Individual Mate Value: An Evolutionary Psychological Approach. *Journal of Cognitive & Behavioral Psychotherapies*, 12(1), 63-76.
- Gordon, K. (2005). Treating couples recovering from infidelity: an integrative approach. *Journal Clinical psychology*. 61(11): 1393-405.
- Jakobwitz, S. & Egan, V. (2004). The Dark Triad and normal personality traits. *Pers Individ Dif*. 40 (2):331-9.
- Jonason, P. K., & Webster, G. D. (2014). The Dirty Dozen: A concise measure of the Dark Triad. *Psychological Assessment*, 22, 420-432.
- Jonason, P.K., Valentine, k.A., Li, N.P., & Harbeson, C. L. (2011). Mateselection and the Dark Traid: Facilitaning a short-term mating strategy and creating a volatile environment. *Personality and Individual Differences*, 51, 759- 763.
- Lee, K., & Ashton, M.C. (2005). Psychopathy, Machiavellianism, and narcissismin the Five-Factor Model and the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 38, 1571-1582.
- McCrae, R.R & Costa, P. T. (1990). Personality disorders and the Five-factor model of personality. *Journal of personality Disorders*, 4, 362- 371.
- Mohammadi, B & soleymani, A. (2017). Early Maladaptive Schemas and Marital Satisfaction as Predictors of Marital Commitment. *Int J Behav Sci*, 11(2), 15-21.
- Momeni J, M & Naderi, Z. (2014). *Extramartial Relationship*. Tehran: Shabahang Publications.
- Paulhus, D. (1998). Interpersonal and intrapsychic adaptiveness of trait selfenhancement: A mixed blessing? *Journal of Personality and Social Psychology*, 74: 1197-1208.
- Paulhus, D. L., & Jones, D. N. (2014). *Measures of dark personalities*. In G. J. Boyle, D. H. Saklofske, & G. Matthews (Eds.), *Measures of personality and social psychological constructs* (pp. 562-594). San Diego, CA: Academic Press.
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36, 556-563.
- Porjorat M. (2017). A Comparative study of attachment style and personality traits in women with marital infidelity experience and those who didn't have such an experience. *Acta Medica International*; 3(2):93-96.

- Rezei, F. & Shams, A. (2012). Early maladaptive schemes in methamphetamine and opioid addicts. *European psychiatry*, 26(1), 93- 98.
- Shackelford, T.K., Besser, A., Goetz, A.T.(2008). Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. *journal of Individual Differences Research*, 6: 13-25.
- Stefano, J.D & Oala, M. (2012) Extramarital affairs: Basic considerations and essential tasks in clinical work. *Journal of Counseling and Therapy for Couples and Families*. 16(1):13-۱۹.
- Twenge, J. M., & Campbell, W.K. (2009). *Living in the age of entitlement: The narcissism epidemic*. New York, NY: Free Press.
- Young, J.E. (1994). Cognitive therapy for personality disorders: Schema- focused approach. Sarasota, FL: *Professional resource press*, 11,102-109.
- Young, J.E. Klosko, J.S. & Weishaar, M.E. (2007). *Schema therapy: A practitioner's guide*. Arjmand.